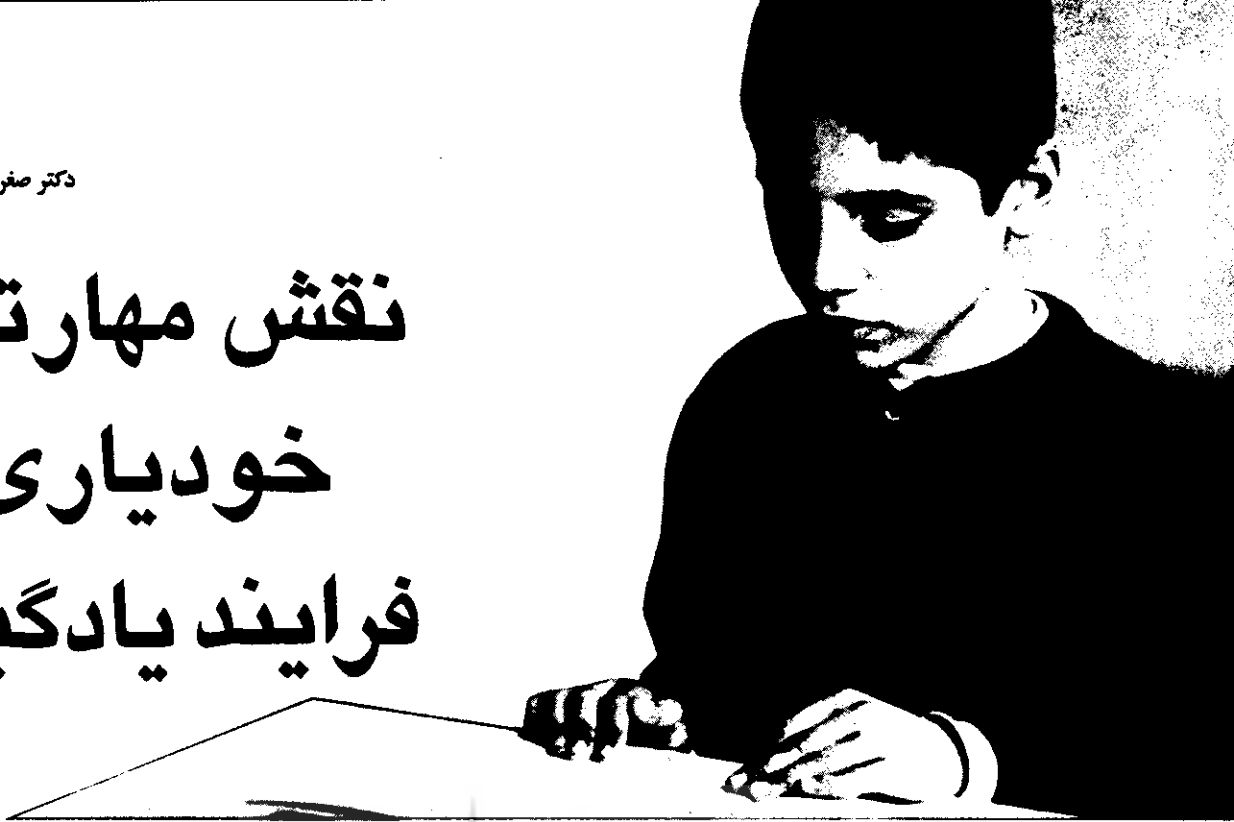


# نقش مهارت‌های خودیاری در فرایند یادگیری



کودکان را متثر سازد. معلمی که می‌خواهد به هر شکل ممکن به کودکانی که دارای مشکلات یادگیری هستند یاری رساند و بدین طریق از مشکلات آنان پیشگیری نماید به‌طور غیر مستقیم موجب وابستگی آنان به خود را موجب می‌شود.

ضرورت و اهمیت مهارت‌های خودیاری در این است که به کودکان معلول یا کودکانی که دارای مشکلات خودیاری یادگیری‌اند کمک می‌کند که به‌طور موفقیت‌آمیزی در فعالیتهای کلاسی شرکت جویند. بنابراین هنگامی می‌توان کودکانی با نیازهای ویژه را در کلاسهای عادی قرار داد که به سطح معینی از استقلال در عادات کاری، خویشتنداری، مهارت‌های اجتماعی و آمادگی برای دستیابی به اهداف یادگیری تحصیلی رسیده باشند.

خودیاری به شدت متکی بر رفتارسازی است. رفتارسازی بنا به تعریف بوتلر<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) عبارت است از مهارت‌های شخصی فرد که در سازگاری با محیط به سطح مناسبی از استقلال و مسئولیت‌پذیری رسیده باشد و این امر به

نحوه و حفظ توجه بر تکلیف بدون نظارت دایمی یا اتکا برکسی، نحوه و مشاهده نمودن امور معمول در کلاس، همچنین داشتن لوازم و رزشی یا کتابهای خواندنی برای درس خاصی، دانستن اینکه چه موقع درس یا کلاس تغییر می‌کند و ... اطلاق می‌شود. مهارت‌های خودیاری مستلزم این استه کودک تمایل به تمایز قایل شدن بین کلاسها داشته باشد و برطبق سبک اداره کلاس هر معلم، انتظارات و امور معمول در کلاس از معلم را دریابد، مثلاً در بعضی از کلاسها دانش آموز تنها شنونده منفعلی است هک کارش صرفاً یادداشت برداری است و برعکس در بعضی از کلاسها مهارت‌های لازم برای انجام خودیاری مستلزم آگاهی از نحوه پاسخدهی به خواسته‌ها و فشارهای درسهای مختلف است.

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد انواع محیط‌های یادگیری که توسط معلم ایجاد می‌شود و شیوه تدریس وی می‌تواند به‌طور قابل ملاحظه‌ای هم تحول و گسترش مهارت خودیاری و هم استقلال

یکی از زمینه‌های مورد علاقه روان‌شناسان تربیتی تعیین و بسط مهارت‌ها و قابلیت‌هایی است که در پرتو آن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری و سایر امور وابسته به آن موفق گردند. مهارت‌های خودیاری از جمله این مهارت‌ها می‌باشند. در این مقاله مفهوم مزبور همراه با راهبردهای بسط و گسترش آن توسط آموزگاران مورد بحث قرار می‌گیرد.

## ● تعریف اصطلاح مهارت‌های خودیاری:<sup>۱</sup>

مهارت‌های خودیاری در این بحث به تواناییهای کودک در انجام اعمال به‌طور مستقل و در شرایط یادگیری اطلاق می‌گردد. در کلاس درس این مهارت‌ها به رفتارهایی همچون آگاهی از نحوه سازمان بخشیدن به مطالب، دانستن اینکه هنگام تکمیل یک تکلیف چه باید کرد، دانستن اینکه در چه موقع و به چه نحوی باید از آموزگار و سایر هم‌تایان یاری خواست، نحوه و کنترل نمودن غلطیایی که از بی‌توجهی در موقع کنترل انجام تکلیف ناشی شده‌اند،

واسطه رشد داخلی<sup>۴</sup>، سازگاری اجتماعی و یادگیری حاصل می‌شود.

بسیاری از دانش آموزانی که دچار معلولیت ذهنی و یا دارای اختلالات اجتماعی و عاطفی و روان‌شناختی می‌باشند، مکرراً رفتارهای سازشی ضعیفی را نشان می‌دهند (تورمن و وایدستروم<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰).

در واقع آسیب رفتار سازشی با ترکیبی از هوش عمومی پایین‌تر از میانگین هنوز به عنوان شاخصی جهت تعیین کردن افرادی که دچار معلولیت ذهنی هستند، به‌کار می‌رود.

### اقدامات آموزگاران برای آموزش مهارت‌های خودیاری

شواهد متعددی بر تاثیر آموزش مهارت‌های خودیاری بر ارتقاء سطح استقلال حتی در دانش آموزانی که دچار معلولیت ذهنی و یا دارای اختلالات یادگیری هستند، دلالت می‌کند.

آموزگاران باید به نکات چندی در آموزش این مهارت‌ها توجه داشته باشند که عبارتند از:

۱- آموزگاران باید باور داشته باشند که چنین آموزش‌هایی بسیار با اهمیت بوده و می‌توان آنها را به کودکانی که فاقد هرگونه مهارت خودیاری هستند، آموخت.

۲- آموزگاران باید به‌طور دقیق به مهارت‌ها و رفتارهایی که دانش آموزانشان را در دستیابی به استقلال یاری می‌رساند توجه نمایند.

موضوع خودیاری در کودکان به شدت به سازه معروف در روانشناسی

تحت‌عنوان مرجع کنترل<sup>۵</sup> ارتباط دارد. مرجع کنترل نحوه اسناد حادثه‌ای که برای فرد اتفاق می‌افتد به عوامل بیرونی یا درونی (شانس و اقبال، عوامل خارج از کنترل یا تلاش‌ها و فعالیت‌های خودش) است. کودکانی که مرجع کنترل مستلزم تحول و گسترش مسئولیت‌پذیری و اعتماد به نفس است. معمولاً اگر کودک تجارب رضایتبخش داشته باشد و پاسخ‌ها و تلاش‌هایش مورد تقویت قرار گرفته باشد، سریعاً این تمایل گسترش می‌یابد. ملاحظه می‌شود بسیاری از کودکانی که دارای دشواری‌های یادگیری هستند به دلیل داشتن تجارب منفی در آموزشگاه ممکن است به‌طور قابل ملاحظه‌ای مرجع کنترل بیرونی داشته باشند و احساس کنند که تلاش‌هایشان تأثیر کمی بر پیشرفت آنان دارد. آنچه نسبت به تکالیف درسی‌شان رخ می‌دهد، بی‌ارتباط با اقدامات آنان است. نهایت بیرونی بودن معمولاً با اصطلاح «درماندگی آموخته شده» مشخص می‌شود. موقعی که فرد شکست سریع خود را در هر موقعیت جدید پیش‌بینی می‌کند را حساس می‌نماید که قادر به تغییر نتایج نیست.

آموزگاران باید شرایط را به‌گونه‌ای طراحی کنند که هر دانش آموز دریابد بین فعالیت و نتیجه کارش ارتباطی وجود دارد و مسئولیت هر دو را بپذیرد.

راهبردهای افزایش میزان درونی شدن مرجع کنترل:

بسیاری از تحقیقاتی که بر روی سبک تدریس یا محیط یادگیری کودکانی که در سنجش نوع کنترل، بیرونی تشخیص

داده شده بودند، نشان داد که چنین کودکانی در مرحله نخست به سبک‌های بسیار سازمان‌یافته تدریس به‌ویژه در یادگیری مهارت‌های تحصیلی و کلاس‌های معلم مدار که قابل پیش‌بینی و ساخت یافته باشند، به بهترین نحوی پاسخ می‌دهند. از سوی دیگر دانش آموزانی که مرجع کنترلشان درونی است قادرند به خوبی از عهده برنامه‌های کودک مدار و باز برآیند (بندل، تولیفسون و فاین<sup>۷</sup> ۱۹۸۰)، علی‌رغم اینها، آموزگاران باید به دانش آموزانی که به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیرونی هستند، کمک‌هایی در جهت افزایش درونی شدن مرجع کنترل، ارائه نمایند. این تحول، احتمالاً فرایندی تدریجی خواهد بود، از این‌رو از راهبردهایی که کودک را فوراً در محیط‌های یادگیری بسیار باز و کودک مدار قرار می‌دهد باید اجتناب نمود، زیرا ممکن است موجب احساس بیشتر درماندگی و نداشتن کفایت لازم گردد. نیاز به کار مداوم و آهسته با چنین کودکانی وجود دارد تا آنان احساس مسئولیت بیشتری نسبت به کارها و فعالیت‌هایشان در طی زمان خاصی بنمایند. باید توجه داشت که رویکرد تدریس سازمان یافته، صرفاً به میزان ناچیزی سطح درونی بودن را بالا می‌برد و ممکن است تنها در شرایطی که کودک هنوز استقلال لازم را برای انجام کارهای مدرسه‌اش پیدا نکرده است، پروری واقع شود. به عنوان مثال برنامه‌های معلم مدار به منظور آموزش مهارت‌های بنیاد تحصیلی ضروری به‌نظر می‌رسد. این شیوه به ویژه برای دانش آموزانی که

### آموزگاران باید به‌طور روزانه بازخوردهای تصحیح کننده‌ای برای دانش آموزان ضعیف

در نظر گیرند.

بسیاری از کودکانی که دارای دشواری‌های یادگیری هستند به دلیل داشتن تجارب منفی در

آموزشگاه ممکن است به‌طور قابل ملاحظه‌ای مرجع کنترل بیرونی داشته باشند



هیچ تلاشی صورت نگرفته است خودداری نمود.

۷- آموزگاران باید به دانش‌آموزان فرصت دهند زیرا در موقع سؤال کردن اگر معلم فرصت کافی برای پاسخ داد در نظر گیرد بسیاری از آنان به راحتی می‌توانند به او پاسخ گویند.

۸- در دادن جایزه به دانش‌آموزان باید به نکات ظریفی توجه داشت. برفی<sup>۱۲</sup> (۱۹۷۹) با بررسی مطالعاتی که بر روی اثرات متفاوت جایزه بر روی دانش‌آموزان انجام شده بود نتیجه گرفت که جایزه بر روی دانش‌آموزان ضعیف مضطرب و وابسته بسیار موثر است و عملکردشان را برای آنان ارزشمند می‌سازد. در اینجا اگر برای دانش‌آموز معلوم شود که جایزه حاصل تلاش و نتایج حاصله از آن بوده این امر شرایط را برای کوششهای بیشتر وی فراهم می‌آورد.

ارائه جایزه می‌تواند توصیفی باشد مثلاً گفته شود «رضا کارت خوب بود امروز مستحط تو خیلی خوب دیده» یا سارا از اینکه امروز به سوالم پاسخ دادی خیلی خوشحالم، این نشان می‌دهد که به

دقت به درس گوش دادی» مطالعات نشان می‌دهد، دانش‌آموزان ضعیف یا دانش‌آموزانی که مشکلات رفتاری دارند، بیشتر سرزنش، انتقاد و اخطار دریافت می‌کنند تا جایزه. این دانش‌آموزان اظهار داشتند که آموزگاران بیشتر آنها را مورد عدم تایید قرار می‌دهند و همین امر موجب می‌شود تا جو کلاس منفی گردد و بر روی یادگیری و میزان حرمت نفس آنان تاثیر می‌گذارد.

### \* پی‌نوشت‌ها:

1. Self - Management
2. Butler
3. Maturation
4. Trman & Widstrom
5. Locus of Control
6. Learned helplessness
7. Bendell & tollefson & Fine
8. Conway
9. Wang & Stiles
10. Self - Scheduling System
11. Self - Directed Learning
12. Brophy

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### منابع:

- 1- Bendell, D., tollefson, N. and Fine, M. (1990) Interaction of locus of control and the performance of learning disabled adolescents, Journal of learning disabilities, 13, 2: 83-6
- 2- Conway, R., (1990) Behaviour disorder. in Ashman and Elkins (eds) Educating children with special needs, new york: Prentice Hall.
- 4- Thurman, S.K. and Widstrom, A.H. (1990). Infants and young children with special needs (2nd end), Baltimore: Book.
- 5- Wang, M.C. and Stiles, B. (1976) An investigation of child concept of self - responsibility for their school learning, american Educational Research Journal 13, 3: 159-79
- 6- westwood, p. (1994). Commonsense methods for children with special needs second edition by routledge